

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله هوادار سازمان انقلابی افغانستان

اول سپتمبر ۲۰۱۱

## دموکراسی

دموکراسی شکلی از قدرت سیاسی است که تبعیت اقلیت از اراده اکثریت و به رسمیت شناختن آزادی و مساوات میان افراد (شهروندان) را بیان می کند. بورژوازی در تعریف خود از دموکراسی فقط به جنبه ظاهری این تعریف از دموکراسی بسنده می کند و مفهوم دموکراسی را به شکل مجرد و جدا از شرایط اقتصادی – اجتماعی و اوضاع مشخص جامعه در نظر می گیرد. بنابراین به ناچار دست به ایجاد مفاهیمی مثل "دموکراسی خالص" و غیره می زند که این مفاهیم از طرف رفرمیست ها و اپورتونیست ها نیز تبلیغ می شود. لنین در تعریف خود از دموکراسی به عنوان یک سازمان سیاسی جامعه، می گوید: هر دموکراسی "در نهایت، در خدمت تولید قرار دارد و در نهایت به وسیله روابط تولیدی در هر جامعه معین می گردد."، بنابراین لازم و اساسی است که دموکراسی را نه به عنوان یک تعریف، بلکه به عنوان پدیده ای تاریخی در نظر گرفت و چگونگی تکامل آن را در طول تاریخ و وابستگی این تکامل را به دگرگونی نظام های اقتصادی – اجتماعی و روند وحدت مبارزات طبقاتی مطالعه کرد.

در کلیه جوامع طبقاتی، دموکراسی شکلی از دیکتاتوری است که به وسیله طبقه مسلط اعمار می گردد و بنابر این دارای خصلت طبقاتی است. در حقیقت، دموکراسی فقط برای اعضای طبقه مسلط جامعه وجود دارد و کل این طبقه نسبت به بقیه طبقات جامعه دیکتاتوری اعمال می کند. مثلاً در دموکراسی برده داری جامعه آن در عهد باستان، دموکراسی فقط در میان برده داران متعلق به طبقه حاکم وجود داشت در حالیکه همین طبقه حاکم برده دار خشن ترین دیکتاتوری ها را نسبت به طبقه بردگان اعمال می نمود. در یک جامعه بورژوائی نیز طبقه بورژوا از دموکراسی و نهاد های آن به عنوان ابزاری برای حاکمیت سیاسی خود استفاده می کند. بورژوازی یک قانون اساسی ایجاد می کند، پارلمان و سازمان های دیگر به وجود می آورد و تحت فشار خلق، انتخابات عمومی و آزادی های سیاسی ظاهری را می پذیرد. اما امکانات توده های میلیونی برای استفاده از کلیه این حقوق دموکراتیک در هر زمینه ای کاملاً محدود است. دستگاه دموکراتیک یک جمهوری بورژوازی به نحوی سازمان یافته و طرح ریزی شده است که بتواند کلیه فعالیت های سیاسی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را فلج نموده و اینان را در خارج از حیطه فعالیت های سیاسی نگاه دارد. و هر گاه که شرایطی فراهم آید تا توده ها منافع بورژوازی را به خطر اندازند،

بورژوازی حتی به نها ها و معیار های خود نیز پایبند نمی ماند و با کلیه وسایل به سرکوب ضد انقلابی طبقه کارگر و سایر توده های خلق می پردازد. به عبارت دیگر، حتی برای اجراء و تحقق همین حقوق ظاهراً دموکراتی هیچگونه تضمین جدی و واقعی برای توده ها وجود ندارد.

اما دموکراسی سوسیالیستی عالی ترین و واقعی ترین دموکراسی در طول تاریخ است. زیرا آزادی های دموکراتیک واقعی را برای وسیع ترین اقشار و طبقات خلق و اکثریت عظیم جامعه به طرز واقعی و نه صوری فراهم می آورد. دموکراسی سوسیالیستی در حقیقت همان دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا است. یعنی در یک جامعه سوسیالیستی که پرولتاریا بورژوازی را سرنگون و قدرت سیاسی را تصرف کرده است، شرایط و امکانات لازم را برای استقرار دموکراسی برای خلق، که اکثریت عظیم افراد جامعه را تشکیل می دهد، فراهم آورند و در مقابل، نسبت به طبقه ارجاعی استثمارگر وژگون شده، یعنی بورژوازی، دیکتاتوری اعمال می کند.

بنابراین، دموکراسی سوسیالیستی نیز مثل سایر دموکراسی های سیاسی در جوامع طبقاتی تاریخ، یک دموکراسی طبقاتی است، اما محتوا و ماهیت آن کاملاً متفاوت است، زیرا خلاف سایر جوامع طبقاتی، که در آنها دیکتاتوری اقلیت بر اکثریت اعمال می گردید و دموکراسی فقط برای اقلیت کوچکی از جامعه یعنی طبقات حاکم صادق بود، در دوران سوسیالیسم این اکثریت عظیم خلق و زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر است که دیکتاتوری خود را بر یک اقلیت استثمارگر، یعنی بورژوازی و طبقات استثمارگر سرنگون شده، اعمال می کند و دموکراسی واقعی را در میان اکثریت عظیم خلق مستقر می گرداند.

در دوران سوسیالیسم، دموکراسی سوسیالیستی حقوق دموکراتیک افراد را از طریق وسایل و تدابیر مشخص و انقلابی تضمین می نماید. و شرایط مادی لازم برای تحقق دموکراسی واقعی و حقوق برابر افراد را از طریق اشتراکی کردن وسایل تولید، شکوفائی اقتصاد و نابودی بحران و بیکاری و حذف تدریجی نا برابری های اقتصادی، فراهم می آورد. در یک جامعه سوسیالیستی، کلیه افراد خلقی از هر جنسیت، ملیت، یا نژادی که باشند از نظر برخورداری از حقوق سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در شرایط یکسان قرار دارند.

\*\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم